لبریز از تکلیف

گزارش «شرق» از لایحه عفاف و حجاب که به‌تازگی از طرف کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس منتشر شده است

مریم لطفی: لایحه عفاف و حجاب با نام کامل لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، یکی از لوایح و موضوعات مناقشه‌برانگیز در ماه‌های اخیر است. این لایحه در جریان وقایع سال گذشته و پس از تعطیلی گشت ارشاد، از طرف قوه قضائیه تدوین شد و آخر اردیبهشت امسال، این لایحه پس از طی مراحل قانونی و تصویب در دولت ابراهیم رئیسی، به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. توضیح قوه قضائیه و دولت درباره لایحه عفاف و حجاب این بود که «نگاه جدیدی به مقوله حفظ کرامت زن و مسئله عفاف و حمایت‌های قانونی از سلامت اخلاقی جامعه دارد». روز جمعه، ششم مردادماه محمدتقی نقدعلی، عضو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس، اعلام کرد که این کمیسیون برای بررسی لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب جلساتی را با حضور مسئولانی از قوه قضائیه، نیروی انتظامی، وزارت کشور و دادگستری، صداوسیما و برخی از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس و کارشناسان مرکز پژوهش‌ها و مرکز تحقیقات اسلامی مجلس برگزار کرد که در نهایت، بررسی این لایحه هفته گذشته پایان یافت. همان روز متن لایحه عفاف و حجاب منتشر شد.

مرور بندهای مهم

لایحه عفاف و حجاب موافقان و مخالفان سرسختی دارد. متن این لایحه که در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس تصویب شده، قرار است برای بررسی و تصویب نهایی به صحن علنی مجلس ارجاع داده شود. این لایحه ۷۰ ماده دارد با ده‌ها تبصره و توضیح و برای بسیاری از دستگاه‌ها و نهادهای رسمی برای مقابله با بی‌حجابی و جلوگیری از ترویج برهنگی، تکالیفی مشخص کرده است؛ تکالیفی برای وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، بازرگانی و فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، سازمان صداوسیما و ساترا گرفته تا رانندگان تاکسی‌های اینترنتی و حتی مسئولان محوطه شهرک‌ها و مجتمع‌ها. فصل پنجم لایحه عفاف و حجاب به جرائم و تخلفات اختصاص یافته است.

ویژه کسب‌وکارها

ماده ۴۱ این لایحه کسب‌وکارها را نشانه گرفته است؛ مجازی و غیرمجازی. می‌گوید: «صاحبان حِرف، مشاغل و کسب‌وکارهای مجازی و غیرمجازی درصورتی‌که در محل کسب یا حرفه یا شغل، به هر ترتیب برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی را ترویج کنند، در مرتبه اول به جزای نقدی درجه سه یا پرداخت سه ماه سود ناشی از درآمد آن شغل (هرکدام بیشتر باشد) و به تشخیص قاضی ممنوعیت از خروج از کشور شش ماه تا دو سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال و حذف محتواهای سابقِ ناقض قانون و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه دو یا پرداخت شش ماه سود ناشی از درآمد آن شغل (هرکدام بیشتر باشد) و ممنوعیت از خروج از کشور دو تا پنج سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال و حذف محتواهای سابقِ ناقض قانون محکوم می‌شود».

ویژه سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها

ماده ۴۳ خطاب به چهره‌های سرشناس است. از بازیگران گرفته تا اینفلوئنسرهای شبکه‌های اجتماعی. براساس این ماده هرگاه شخصی که دارای شهرت یا تأثیرگذاری اجتماعی است، در فضای مجازی یا غیرمجازی مرتکب جرائم موضوع این قانون شود، علاوه بر محکومیت به مجازات مقرر درباره جرم ارتکابی، به جزای نقدی درجه دو یا ۱۰ درصد از کل دارایی (به جز مستثنیات دِین) هرکدام که بیشتر باشد و محرومیت از فعالیت‌های شغلی یا حرفه‌ای به مدت شش ماه تا پنج سال محکوم می‌شود. همچنین این فرد به تشخیص قاضی به ممنوعیت خروج از کشور به مدت دو سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود. ضمن اینکه باید محتواهای سابقِ ناقض قانون و همه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی را حذف کند و در مراتب بعدی جزای نقدی درجه یک یا ۱۰ درصد از کل دارایی و همچنین محرومیت از فعالیت‌های شغلی یا حرفه‌ای (به مدت پنج تا ۱۵ سال)، ممنوعیت خروج از کشور (به مدت دو سال)، ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی (از شش ماه تا دو سال) و حذف محتواهای سابقِ ناقض قانون و لغو همه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی محکوم می‌شود. در تبصره یک این ماده تکالیفی برای صداوسیما تدارک دیده شده است. اینکه صداوسیما نمی‌تواند اشخاصی را که به دلیل ارتکاب جرائم موضوع این ماده پرونده آنها در محاکم در حال رسیدگی است یا محکوم شده‌اند، تا پایان مدت محرومیت، به برنامه تلویزیونی دعوت کرده یا با آنها قرارداد منعقد کند.

ویژه طراحان لباس

ماده ۴۵ این لایحه مربوط به بحث پوشاک است. می‌گوید واردات، تولید یا توزیع یا فروش البسه ممنوعه که از طرف کارگروه ساماندهی مد و لباس تعیین می‌شود، ممنوع است. برای مرتکبان این اقدام هم مجازات‌هایی در نظر گرفته‌اند، بار اول به پرداخت حداکثر جزای نقدی درجه چهار (بیش از ۵۰۰ میلیون ریال تا یک میلیارد ریال) یا دو برابر ارزش عرفی مال، هرکدام که بیشتر باشد و در مراتب بعدی به حداکثر جزای نقدی درجه سه یا چهار برابر ارزش عرفی مال هرکدام که بیشتر باشد، محکوم می‌شود. در تبصره این ماده هم به طراحی و تبلیغ لباس‌های ممنوعه اشاره کرده است. در صورت رعایت‌نکردن مواد این ماده در مرتبه اول به حداکثر جزای نقدی درجه چهار یا دو برابر درآمدهای حاصل از ارتکاب جرم هرکدام که بیشتر باشد، به تشخیص قاضی به ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال، حذف محتواهای سابقِ ناقض قانون و در مراتب بعدی به حداکثر جزای نقدی درجه سه یا سه برابر درآمدهای حاصل از ارتکاب جرم (هرکدام که بیشتر باشد) و به ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال و حذف محتواهای سابقِ ناقض قانون محکوم می‌شود.

ویژه محصلان و دانشجویان

در تبصره پنج ماده ۴۶ به محصلان و دانشجویان مراکز آموزشی اشاره شده است. اینکه اگر در داخل مراکز مرتکب بدپوششی یا کشف حجاب یا رعایت‌نکردن حجاب شرعی شوند، بعد از سه بار کمیته انضباطی مرکز آموزشی به این موضوع رسیدگی می‌کند و مقررات انضباطی درباره آنها اجرا می‌شود. همچنین اگر محصل یا دانشجو برای بار چهارم مرتکب این اقدام شود، از طرف کمیته انضباطی یا حراست مرکز آموزشی برای اِعمال مقررات این قانون به فراجا معرفی می‌شود.

ویژه عابران معابر

ماده ۴۹ لایحه حجاب و عفاف کسانی را که در انظار یا اماکن عمومی یا معابر مرتکب بدپوششی شوند، در مرتبه اول معادل حداکثر جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌کند. میزان جزای نقدی درجه شش، بیش از ۶۰ میلیون ریال تا ۲۴۰ میلیون ریال و جزای نقدی درجه ۵ بیش از ۸۰ میلیون ریال تا ۱۸۰ میلیون ریال است. این ماده مصادیق بدپوششی را هم تعریف کرده است. «بدپوششی درباره زنان عبارت است از پوشیدن لباسی که خلاف عفت عمومی است، از قبیل لباس بدن‌نما یا تنگ یا لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از گردن یا بالاتر از مچ پا یا بالاتر از ساعد دست‌ها دیده شود. بدپوششی درباره مردان عبارت است از پوشیدن لباسی که خلاف عفت عمومی است، از قبیل لباس بدن‌نما یا لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از سینه یا بالاتر از ساق پا یا سرشانه فرد دیده شود». ماده ۵۰ به برهنگی یا نیمه‌برهنگی در انظار یا اماکن عمومی اشاره دارد. «هر شخصی در انظار یا اماکن عمومی یا معابر اقدام به برهنگی یا نیمه‌برهنگی کند یا با پوششی ظاهر شود که عرفا برهنگی محسوب می‌شود، بلافاصله از طرف ضابط بازداشت و از طریق ضابطان ذی‌صلاح به مرجع قضائی تحویل داده می‌شود». برای این فرد مجازات‌هایی نیز در نظر گرفته شده است؛ حبس درجه چهار یا جزای نقدی درجه سه (بیش از یک میلیارد ریال تا یک‌ونیم میلیارد ریال). همچنین در صورت تکرار مجازات حبس یا جزای نقدی یک درجه تشدید می‌شود. در این ماده ضابطان موضوعات مورد اشاره را هم مشخص کرده است؛ همه نیروهای فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا)، ضابطان عام و خاص دادگستری. ماده ۵۱ به بی‌حجابی سر اشاره دارد. «هر زنی در انظار یا اماکن عمومی یا معابر کشف حجاب کند، به نحوی که چادر یا مقنعه یا روسری یا شال بر سر نداشته باشد، در مرتبه اول معادل جزای نقدی درجه شش (بیش از ۶۰ میلیون ریال تا ۲۴۰ میلیون ریال) و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج (بیش از ۸۰ میلیون ریال تا ۱۸۰ میلیون ریال) محکوم می‌شود. همچنین گفته شده که در صورت تکرار بیش از چهار بار، مرتکب به مجازات تکرار جرم موضوع ماده ۳۹ این قانون محکوم می‌شود.

ویژه رانندگان و مسافران

یکی از چالش‌های ماه‌های اخیر موضوع حجاب و کشف حجاب در خودروها، وسایل نقلیه عمومی و به‌ویژه تاکسی‌های اینترنتی است. ماده ۵۴ لایحه حجاب و عفاف به ضرورت مشخص به این موضوع می‌پردازد. «هرکس در حال رانندگی با وسایل نقلیه موتوری مرتکب بی‌عفتی، کشف حجاب، بی‌حجابی یا بدپوششی شود یا فردی سوار کرده که مرتکب جرائم مذکور شود، از طرف پلیس راهنمایی و رانندگی پنج میلیون ریال جریمه می‌شود». در این ماده تأکید شده است که صدور برگ جریمه برای وسیله نقلیه مذکور نافی اعمال مجازات‌های مقرر برای مرتکب نیست و حکم این ماده درباره تاکسی‌ها و مسافربرهای اینترنتی نیز جاری می‌شود. ماده ۵۴ به کشف حجاب در حین تردد با موتورسیکلت هم اشاره دارد. «در صورت ارتکاب در مرتبه دوم، وسیله نقلیه به مدت سه ماه توقیف می‌شود. ثبت اولین تخلف موجب ثبت‌نشدن تخلفات بعدی از لحاظ زمانی نبوده و جریمه‌ها جمع می‌شود».

تأکید بر همکاری دستگاه‌های اجرائی

یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در لایحه عفاف و حجاب همراهی دستگاه‌های اجرائی با نیروی انتظامی است. تکلیف مهمی برای این دستگاه‌ها و همچنین متولیان تعریف شده است. در ماده ۶۱ ذکر شده است که «اشخاص حقوقی و حقیقی متولی ارائه خدمات به مردم از قبیل بانک‌های غیردولتی یا شرکت‌های حمل‌ونقل مسافر یا فروشگاه‌ها و صاحبان حِرف و مشاغل و مسئولان محوطه شهرک‌ها یا مجتمع‌ها موظف‌اند تصاویر دوربین‌های خود را برای شناسایی افراد ناقض این قانون در اختیار فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) قرار دهند. در صورت امتناع از اجرای این حکم، درباره کارکنان دستگاه‌های اجرائی مسئول مربوطه به شش ماه تا پنج سال انفصال از خدمات دولتی و عمومی و صاحبان مشاغل و حِرف و کسب‌وکارها به جزای نقدی معادل دو تا شش ماه سود ناشی از درآمد شغل و سایر افراد به جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شوند. اشخاص مذکور موظف‌اند حداقل ۲۰ روز تصاویر دوربین‌های خود را نگهداری کنند». وزارت اطلاعات، سازمان انرژی اتمی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با رعایت ملاحظات حفاظتی و امنیتی موظف به اجرای مفاد این ماده هستند. در این ماده تأکید شده است که به منظور گسترش پوشش سامانه‌های الکترونیکی و رسیدن به هویت قطعی مرتکبان و احصای شناسه ملی آنان، همه دستگاه‌های موضوع این ماده موظف‌اند شرایط اتصال برخط فرماندهی انتظامی را به همه بانک‌های اطلاعاتی از قبیل سامانه ثبت احوال کشور، بانک شاهکار وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، بانک رمزینه یا QRcod واحدهای صنفی وزارت صمت، بانک مستخدمان رسمی و غیررسمی کشوری، بانک دانش‌آموزان و دانشجویان و حساب‌های مالی و سامانه‌های بانک مرکزی و اطلاعات کارکنان مؤسسات غیردولتی از طریق سامانه‌های سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر را فراهم کنند. در ماده آخر این لایحه نیز دولت موظف شده است تا هر سال در بودجه‌های سنواتی منابع لازم برای اجرای این قانون را پیش‌بینی کند. همچنین توضیح داده شده که منابع حاصل از اجرای این قانون به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب بودجه سنواتی برای رفع آسیب‌های اجتماعی، فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب، ازدواج و مسکن جوانان و اوقات فراغت خانواده‌محور اختصاص خواهد یافت.

علی نجفی‌توانا، استاد حقوق و جرم‌شناسی در گفت‌وگو با «شرق»:

قانونی تصویب نکنیم که اعتبار قانون‌گذاری را از بین ببریم

سامان موحدی‌راد: انتشار متن لایحه عفاف و حجاب توسط کمیسیون قضائی مجلس در روزهای اخیر موجی از واکنش‌ها را در فضای حقوقی و سیاسی کشور در پی داشته است. موارد متعددی که در این لایحه گنجانده شده از برخورد با حقوق شهروندی تا تعیین مجازات‌های سنگین و همچنین مداخله در رفتار شهروندان از موضوعات سؤال‌برانگیز این لایحه است. علی نجفی‌توانا، استاد حقوق و جرم‌شناسی است که نگاهی اجتماعی به پدیده قانون‌گذاری دارد. با او درباره فلسفه قانون‌گذاری و همچنین ارتباط آن با لایحه عفاف و حجاب گفت‌وگو کردیم.

• • •

◆ شما لایحه عفاف و حجاب را بررسی کرده‌اید؟ در یک نگاه کلی آیا این لایحه را برای تبدیل‌شدن به قانون مناسب می‌دانید؟

یک قانون موفق مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست که قبل از تصویب با آسیب‌شناسی و نیازسنجی و مطالعه و تحقیق مراحل تصویب خودش را طی می‌کند. نمایندگان ملت که در مجلس گرد آمده‌اند قطعا باید قبل از تصویب قانون با مخاطب‌شناسی، دریافت نیازها از سطح جامعه و همچنین مطالعه واکنش‌های مردمی و اجتماعی در برابر این قانون میزان پذیرش مردم در برابر قانون را بسنجند. در این مسیر همچنین باید اولویت نیازهای کشور هم در نظر گرفته شود.

◆ در حال حاضر رابطه حجاب و قانون یک رابطه پر از ابهام است. گاهی عبارت‌هایی مانند بی‌حجاب، شل‌حجاب، بدحجاب و امثال آن شنیده می‌شود که هیچ متر و معیار و شاخصی ندارند. به نظر می‌رسد این ابهام در لایحه جدید هم وجود دارد.

در این لایحه که در ظاهر برای حفظ حجاب و عفاف باید مراحل تصویب را طی کند و برای این منظور تدوین شده ابهاماتی وجود دارد. مثلا آیا عفاف تنها در نمایش موی زنان است که معنی پیدا می‌کند؟ آیا عفت نمی‌تواند به عرصه‌های مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی مربوط باشد؟ آیا نباید از خود بپرسیم که چرا فرزندان ما که بعد از انقلاب متولد شده و در فضای بعد از انقلاب پرورش یافته‌اند دچار چنین تناقض‌هایی شده‌اند؟ آن هم فرزندانی که در معرض بزرگ‌ترین تبلیغات و برنامه‌های آموزشی بوده‌اند.

این سؤال برای من همچنان باقی است که چرا نمایندگان ما قبل از اینکه به چرایی این پدیده توجه کنند، همیشه با لحاظ اختیاراتی که داشته‌اند و بدون توجه به افکار عمومی با تعیین ضمانت اجرای کیفری، مدنی، محرومیت‌های اجتماعی، مصادره اموال و... جرایم دیگری که مربوط به جرایم سنگین است تلاش می‌کنند آن بخش از افرادی را که با آنها هم‌نظر نیستند وادار به رعایت الگوهایی کنند. الگوهایی که پیش‌تر نتوانسته بودند با بسترسازی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آنها را معتقد به این رفتارها بکنند. آنها نتوانستند در دل مخالفان خودشان این باور را به وجود بیاورند. با زور نمی‌توان نظم حجاب و عفاف را رعایت کرد.

◆ یکی از ایرادات به مسئله لایحه حجاب این است که جمعیت بزرگ منتقدان پوشش رسمی را نادیده می‌گیرد، اساسا از منظر فلسفه قانون‌گذاری می‌توان قانونی تصویب کرد که جمعیت بزرگی از جامعه را یک شبه به مجرم تبدیل کند؟

موضوع دیگر درباره این لایحه این است که بی‌توجه به آموزه‌های علمی در بحث سیاست جنایی مسیر تصویب این قانون در حال پیگیری است. سیاست جنایی تقنینی یعنی اینکه قانون‌گذاری در صورتی برای ایجاد و حفظ نظم توفیق لازم را خواهد داشت که واجد دو جنبه باشد؛ نخست اینکه کنشی باشد و دیگری اینکه واکنشی باشد. سیاست جنایی کنشی همان سیاست جنایی پیشگیرانه است. یعنی حاکمیت از تدابیری استفاده می‌کند تا نظم مورد نظرشان را در یک مقطع خاص و در یک موضوع خاص ایجاد و نهادینه کند. برای همین منظور و به عنوان یک اقدام پیشگیرانه باید بسترهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را برای آن فراهم کند. نکته‌ای که در چارچوب جامعه‌شناسی جنایی من به عنوان یک معلم حقوق و جرم‌شناسی می‌فهمم این است که بسیاری از این واکنش‌ها جنبه اعتراض دارد. جوانی که امکان ازدواج، مسکن، شغل مناسب و زندگی نرمال را ندارد به این وضعیت نابسامان حتما واکنش نشان می‌دهد. تا کی باید بر طبل سزادهی و کیفرمحوری بکوبیم و سیاست جنایی کنشی را نادیده بگیریم. در واقع حاکمیت به جای اینکه در اینجا سیاست کنشی در برابر یک پدیده داشته باشد و با فراهم‌کردن زیرساخت‌های لازم برای ازبین‌بردن یک پدیده با سیاست واکنشی و آمرانه قصد دارد با آن مبارزه کند. من این لایحه را به دقت مطالعه کردم. امیدوارم در صحن علنی مجلس نمایندگان آگاه بدون توجه به ذهنیت‌گرایی و آرمان‌گرایی و با واقع‌بینی به آن توجه کنند. این واقع‌گرایی یعنی اینکه شرایط واقعی جامعه را در نظر بگیرند و آن را آسیب‌شناسی کنند. قطعا باید در این لایحه برای عفاف و حجاب معیار تعیین شود. اگر چنین نشود قطعا نظمی هم در اثر این قانون ایجاد نخواهد شد و سرنوشتی مثل ماهواره خواهد داشت. انتظار این است که نمایندگان مجلس که نمایندگان واقعی مردم هستند قانونی را تصویب کنند که از اولویت‌های زندگی مردم باشد و گرهی از مشکلات اساسی آنها باز کند. در حال حاضر جامعه با فقر، فساد و تبعیض دست به گریبان است که باید کاملا ریشه‌کن شود. رعایت قانون، قانون‌مداری و مبارزه با فساد مدیران از جمله مواردی است که اگر به درستی انجام شود قطعا مردم با اجرای قوانین دیگر هم همراه خواهد کرد. در غیر این صورت نه‌تنها اجرای قانون تسریع نمی‌شود که هزینه زیادی هم به جامعه و مسئولان اجرائی وارد می‌شود و در نهایت هم قانون را بخشی از مردم نخواهند پذیرفت. در چنین شرایطی است که این قانون به یک قانون مطرود تبدیل خواهد شد.

◆ یکی از چالش‌های این قانون تکالیف و مجازات‌هایی است که بر عهده مردمی قرار گرفته که در مقابل افراد با پوشش اختیاری قرار گرفته‌اند. قانون‌گذار می‌تواند چنین تکالیف و تصمیم‌هایی بگیرد؟

یکی از مواد مبهم برای من در این قانون رابطه آن با مردم عادی است که در معرض این اقدام قرار می‌گیرند. چگونه ما می‌توانیم به راننده تاکسی، فروشنده، مدیر یک رویداد و دیگران اجازه دهیم که درباره حجاب دیگران اظهارنظر کنند؟ در این قانون برخلاف شرایط فعلی معیارهایی برای حجاب تعریف شده اما با توجه به همین معیارها آیا ما با دادن اختیار به این شهروندان برای تصمیم‌گیری درباره حجاب یک نفر باب اختلاف سلایق را باز نخواهیم کرد؟ از نکات جالب دیگر اینکه در موادی مثل ۴، ۵ و ۶ این لایحه موضوعات پرحاشیه‌ای هم در نظر گرفته شده است. مثلا در ماده ۵ بحث تعیین شاخص‌ها را به شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار کرده که نهادی است که اجازه قانون‌گذاری ندارد. قانون‌گذار کشور مجلس شورای اسلامی است. ممکن است مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تعارض با قانون اساسی باشد. اگر چنین شد تکلیف چیست؟

◆ یکی از چالش‌های کنونی مسئله حجاب این است که برخی می‌گویند سایر نهادها به وظایف خود در زمینه حجاب عمل نکرده‌اند و تنها نیروی انتظامی در این زمینه وارد میدان شده. آیا در لایحه جدید این مشکل حل شده است؟

معلوم نیست که ما بستر لازم برای پذیرش این قانون را در میان مردم فراهم کردیم. درست است که در لایحه گفته شده که نهادها و سازمان‌های مختلف چنین و چنان کنند اما واقعیت این است که این حرف‌ها را بارها شنیده‌ایم. همین الان هم خیلی‌ها می‌گویند ماجرای حجاب به این دلیل چنین وضعیتی پیدا کرده که سایر نهادها به وظایف خود عمل نکرده‌اند. برای همین هم بعید است با این لایحه آنها دوباره کاری کنند و وضعیت از نظر پذیرش آن چنین خواهد بود که هست. ابهام و حلقه مفقوده در زمینه قانون‌گذاری حجاب در جای دیگری است. حلقه مفقوده در عدم توجه به نیازهای واقعی مردم است. نمایندگان مجلس نباید به این حلقه مفقوده بی‌توجه باشند بلکه باید پاسخی برای آن داشته باشند. من از نمایندگان مجلس می‌خواهم وارد جامعه شوند و ببینند که مردمی که ۴۰ سال تلاش شد تا آنها را راهنمایی کنند چگونه واکنش نشان می‌دهند. آیا اگر با همان سیاق گذشته در این زمینه عمل کنیم، به نتیجه می‌رسیم؟ به نظر من که چنین نیست. مگر اینکه آنها به دنبال حلقه مفقوده باشند. اصولا در بحث اخلاق باید به سیستم و نظام افتراقی تربیتی توجه داشت. نمی‌توان مردم را مثل یک جامعه کمونیستی مثل چین یا شوروی مدیریت کرد. نمی‌توان به مردم مثل آن جوامع کمونیستی گفت که لباس متحدالشکل بپوشید. نتیجه آن جوامع نشان داده که شیوه مبتنی بر اجبار جواب نخواهد داد. دلیل آن هم این است که خانواده‌های ایرانی با تفاوت‌های بسیار در کنار هم زندگی می‌کنند. برای همین نوعی نظام افتراقی با تفاوت آشکار در تربیت هر خانواده‌ای وجود دارد. حتی در شهرهای مذهبی مانند قم و مشهد هم شاهد این تفاوت‌ها هستیم؛ بنابراین تهدید و اجبار به عنوان یک الگوی مشخص قطعا بی‌توجه از واقعیت‌ها و ذهنیت‌ها ما را دچار چالش و مشکل خواهد کرد.

ما تجربه تدوین قوانینی را که به آنها عمل نشده، داریم. نباییم قانونی را تصویب کنیم که بعدها مانند سایر قوانین با واکنش مردم مواجه نشود. به این ترتیب اعتماد مردم به نظام تقنینی کشور را از بین ببریم و اعتبار قانون را در باور مردم کاهش دهیم.

◆ یکی از موضوعات چالشی این لایحه مسئله مجازات‌های آن است. شما در مجازات‌های تعیین‌شده موارد عجیبی ندیده‌اید؟

در این لایحه مجازات‌هایی تعیین شده که خیلی عجیب است. مثلا مصادره اموال مردم، محرومیت از کار، ممنوع‌الخروج‌بودن و دیگر موارد چیزهایی است که برای جرایم سنگین دیده شده ولی در این لایحه هم گنجانده شده است. کمتر می‌بینیم که چنین تصمیمی برای یک مدیر یا مفسد اقتصادی گرفته شود، ولی داریم چنین تصمیمی را برای دختر خانمی می‌گیریم که تحت تربیت‌های همین مملکت رفتاری متفاوت از آنها دارد.

جوانی که چنین رفتاری دارد به‌خاطر کم‌کاری رسانه ملی، تحت تأثیر آنها قرار نگرفته و به فضای مجازی روی آورده و حالا در اثر همین داده‌ها رفتاری متفاوت از آنچه قانون‌گذار مورد نظرش است دارد. حالا باید ۱۰ درصد از اموال این جوان مصادره شود؟ یک نماینده باکفایت چرایی این تغییر رفتار را ریشه‌یابی می‌کند و می‌کوشد زمینه‌های آن را برطرف کند.

گزارش

گزارشی از احکام جریمه و محدودیت برای اهالی رسانه و خبرنگارها

رسانه؛ دوستی با حرف‌های تلخ

نسترن فرخه: محدودیت‌هایی از جنس تبعید، بازداشت یا منع کار برای مدت مشخص، همه از احکام صادرشده خبرنگاران و اهالی رسانه در ماه‌های اخیر بوده است. محدودیت‌هایی که خواسته یا ناخواسته شدت گرفته و مستقیم بر اعتماد عمومی جامعه نسبت به رسانه‌ها نیز اثر خواهد داشت.

آخرین محدودیت‌ها در روزهای گذشته به حکم بهروز بهزادی، مدیرمسئول روزنامه اعتماد، برمی‌گردد که با شکایت قرارگاه ثارالله در شعبه ۹ کیفری یک تهران محاکمه و به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد و اعلام شده دادگاه با استفاده از اختیارات برآمده از تبصره ماده ۳۵ قانون مطبوعات، مجازات حبس بهروز بهزادی را به محرومیت از هر نوع مسئولیت مطبوعاتی به مدت یک سال تبدیل کرده است. البته پیش از آن هم مرضیه محمودی، سردبیر سایت تجارت‌نیوز، خبر داده بود به دلیل شکایت مجدد حمید رسایی از من، به ۲۴ میلیون جریمه نقدی و یک سال تبعید به تربت جام محکوم شده‌ام و این دومین بار است که سر این پرونده محکوم می‌شوم. بار قبل شش میلیون جریمه نقدی پرداخت کردم.

این تنها بخشی از احکام صادرشده برای اهالی رسانه است که در ماه‌های اخیر صورت گرفته. بهزادی در گفت‌وگو با «شرق» بر این باور است که باید کسی به این نتیجه برسد که رسانه‌های داخلی دشمن نیستند؛ دوستانی هستند که خیلی وقت‌ها حرف‌هایشان هم تلخ است.

حکمی غیرمتعارف

بهروز بهزادی، مدیرمسئول روزنامه اعتماد، در گفت‌وگو با «شرق» به حکم اعلام‌شده اشاره می‌کند و می‌گوید: «این حکم قطعی نیست. حال در دیوان عالی حکم را می‌پذیرند یا حکم می‌شکنند. این حکم غیرمتعارفی است و تا به حال حکمی به این شکل نداشتیم. از هر طرف که نگاه می‌کنیم، این حکم هم تند و هم غیرمتعارف است. شکایت قرارگاه ثارالله برای دو مطلب در روزنامه بوده؛ یکی از آن برای مصاحبه با پدر علم ژنتیک ایران بود که روزهای اول ایسنا هم درباره آن مطلب نوشته بود و بعد ماجرا به شکل دیگری مطرح شد؛ یعنی بعد در همین رابطه اختلاف‌های خانوادگی مطرح شد، درصورتی‌که آنچه به خبرنگار ما گفته بود و در روزنامه هم چاپ شد، چیز دیگر بود. ایشان گفته بود گروه چندنفره‌ای با لباس شخصی آمدند و من را بردند و بابت مسائلی که علیه دولت طرح کرده بود، به او تذکر دادند؛ اما بعد صحبت‌های دیگری مطرح شد و تیر غیب آن به ما خورد. مطلب دیگرمان هم از بازیگران با تیتر تاوان در کنار مردم بودن بود. البته من آن روز نبودم و دوستانمان که این تیتر را زدند، من گفتم تیتر سایت را تغییر دهیم. فردا شبش هم توضیحاتی در این زمینه دادیم، ولی پذیرفته نشد».

روزنامه‌نگار باید مشکلات را بیان کند

این مدیرمسئول درباره فضای حال حاضر رسانه نیز اضافه می‌کند: سال‌هاست در این فضا فعالیت می‌کنم و همیشه همین‌طور بوده است؛ به دادگاه احضار و بازداشت می‌شدیم و مدیران ارشد ما حکم می‌گرفتند. در هر حال اعتقاد من این است که روزنامه‌نگار باید به دور از سیاست‌بازی، کار خودش را انجام دهد. روزنامه‌نگار باید جامعه را بشکافد و مشکلات آن را بیان کند؛ اما اینکه توجه کنند یا نکنند، بحثی دیگر است. عده‌ای هم هستند که این حرف‌های ما را برنمی‌تابند و فکر می‌کنند پشت آنچه می‌نویسیم، منظورهای دیگری وجود دارد، درصورتی‌که اگر انسان واقعا روزنامه‌نگار باشد، به این شکل فرد سیاسی نخواهد بود.

رسانه، دوستی با حرف‌های تلخ است

نقدی که بخشی از منتقدان به محدودیت فضا برای رسانه‌های داخل دارند، منبع‌شدن رسانه‌های خارجی است و بهزادی این موضوع را خطر می‌داند و تصریح می‌کند: «خطر همین است. وقتی این اتفاقات می‌افتد و نمی‌گذارند ما بنویسیم یا خود ما چنان زیر فشار هستیم که فکر می‌کنیم اگر بنویسیم دچار مشکلات متعدد خواهیم شد، باعث می‌شود مرجعیت‌مان را از دست بدهیم و مردم وقتی می‌بینند ما نمی‌توانیم چیز جدیدی به مطالب رسانه اضافه کنیم، به رسانه دیگر رو می‌آورند. در هر حال رسانه هم کالایی است که اگر کیفیت کافی نداشته باشد، مخاطبش رو برمی‌گرداند. وقتی مرجعیت داخل از بین برود، به دنبال رسانه‌های خارج از کشور می‌روند که آنها گاهی مفروضات خودشان را هم با کار رسانه مخلوط می‌کنند. مشکل همین‌جاست».

ایشان ادامه می‌دهد: «حتی در مواردی ما عارضه اجتماعی را در روزنامه مطرح کردیم و عین همان گزارش را یک شبکه فارسی‌زبان منتشر کرده و تحلیل خودش را بر روی آن گزارش گذاشته و به ما می‌گویند چرا شما این مطلب را نوشتید که آنها از محتوای گزارش استفاده کنند. درواقع این سؤال را از خودشان نمی‌کنند که ما چه کردیم که مردم به رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی گوش می‌دهند؟ این رسانه‌ها داخل مملکت نفوذ دارد. اگر رسانه‌های داخلی بتوانند خوب عمل کنند، هیچ رسانه خارجی امکان نفوذ بر مردم را نخواهد داشت. باید کسی به این نتیجه برسد که رسانه‌های داخلی دشمن نیستند؛ دوستانی هستند که خیلی وقت‌ها حرف‌هایشان هم تلخ است».